



سومین همایش ملی
بانوکمپوزیتها
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

الگوهای ازدواج با توجه به زندگی حضرت خدیجه (س) و پیامبر اکرم (ص)

سمیرا پیروی بغداد آباد^۱

چکیده

ازدواج یکی از امور اجتناب‌ناپذیر برای غالب افراد یک جامعه است و موفقیت یا عدم موفقیت در ازدواج از جمله دغدغه‌های مهم جوانان به شمار می‌رود. یکی از عوامل مهم در ازدواج موفق، توجه به الگوها در این زمینه است. الگو، نمونه‌ای عینی و مشهود از یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون به شمار می‌آید که استفاده از موفقیت‌های آن الگوها، انسان را برای رسیدن به کمال کمک می‌کند. قرآن کریم همواره الگوهای مختلفی را در جهت رشد و ارتقای زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها معرفی می‌کند تا بر طبق آن دستورات الهی، زندگی خود را اصلاح کنند. از این رو مقاله حاضر با هدف الگوگیری از ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و با شیوه توصیفی تحلیلی سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) الگوهای ازدواج چگونه است؟ مطابق دستاوردهای تحقیق، ارائه الگوی عملی و صحیح در جهت رسیدن به ازدواج مطلوب اسلامی ابعاد مختلفی دارد. در این مقاله تنها به الگوهای قبل از ازدواج، الگوهای حین ازدواج و الگوهای بعد از ازدواج پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم، خدیجه، الگوهای ازدواج، خواستگاری، ساده‌زیستی.

۱. طلبه سال پنجم، سطح ۲، حوزه علمیه الزهراء، شهرستان مهریز، samiraperavei@gmail.com

مقدمه

امروزه مسئله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان، یکی از پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی است و کمتر خانواده‌ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و با این موضوع دست‌به‌گریبان نباشد. مسئله تشکیل خانواده بر اساس الگوها، معیارها و ارزش‌های صحیح، علاوه بر حل و فصل کردن مشکلات خانوادگی و نابسامانی‌های شخصی، پیوند روشنی با حل مشکلات اجتماعی نیز دارد.

یکی از الگوهای موفق ازدواج، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند. زندگی این دو بزرگوار را می‌توان نمونه‌ای کامل از تحول مثبت و سیر به سمت کمال دانست؛ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بخش عمده‌ای از زندگی‌اش را در دوران جاهلیت سپری کرد؛ اما با غلبه بر تمام تضادهای موجود اجتماعی، دل به اسلام سپرد و به اولین اجتماع کوچک اسلامی گام نهاد. به همین خاطر، بررسی نقاط حساس زندگی ایشان می‌تواند یاری‌رسان خوبی برای دستیابی به الگوی مثبت برای ازدواج جوانان باشد.

مقاله حاضر درصدد است نخستین سؤالی که در ارتباط با مسئله ازدواج مطرح می‌شود را بیان کند و آن این است که با توجه به زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چه الگویی می‌توان برای ازدواج برگزید؟

نویسندگان متعددی پیرامون الگوهای موفق ازدواج آثاری را به رشته تحریر درآورده‌اند؛ از جمله خالد اصلیانی و علی درخش در مقاله‌ی «تدوین الگوی ازدواج موفق» مدل ازدواج موفق روان‌شناسانه را ارائه کرده‌اند. ابوالفضل حاتمی ورزنده و معصومه اسمعیلی در مقاله‌ی «ارائه الگوی ازدواج پایدار و رضایتمند» ازدواج بالنده را فرایندی پر فراز و نشیب معرفی می‌کنند. مجید هاشمی گل‌مهر و همکاران نیز در مقاله‌ی «ارائه الگوی ازدواج موفق؛ یک پژوهش کیفی» با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای بر روی زوج‌های اهوایی تحقیق و بررسی انجام داده‌اند.

وجه تمایز مقاله پیش رو با مقالاتی که پیش از این نگاشته شده‌اند تبیین شیوه‌ی ازدواج حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و معرفی الگوهای قبل، حین و بعد از ازدواج است؛ مطالبی که در آثار پیشین به آن پرداخته نشده است.

۱. مفهوم شناسی

برای آنکه الگوی ازدواج را با توجه به زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مورد بررسی قرار بدهیم لازم است تصور لازمی از الگوی ازدواج داشته باشیم بنابراین در قدم اول باید مفاهیمی که در این مقاله بیشتر به آن می‌پردازیم را بیان کنیم:

۱.۱. الگو

یکی از مفاهیم الگو است منظور از الگو نمونه عینی و مشهور یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون است که دیگران برای رسیدن به کمال از آن پیروی می‌کنند. (مهدی زاده، ۱۳۸۵، ص ۹)

پس می‌توان گفت الگو گیری عبارت‌اند از: به تصویر کشیدن سرگذشت پیشینیان و اختیار آگاهانه آن به منظور پیروی و برای به کمال رسیدن استعداد های درونی. (حسین خانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱)

۲.۱. ازدواج

مفهوم دیگری که می‌توان آن را بیان نمود ازدواج است. ازدواج مهم‌ترین قدمی است که یک فرد در زندگی برمی‌دارد، این اقدام ممکن است تمام زندگی یک شخص را از نو بسازد و یا خراب کند، به طور کلی ازدواج پیوند دو شخصیت است با حفظ نسبت نسبی استقلال هر یک از زن و شوهر، برای همکاری متقابل، نه از بین بردن یک شخصیت به خاطر تکمیل خواسته‌های دیگری. (دژکام، ۱۳۸۸، ص ۲۲)

۲. الگوهای قبل از ازدواج

اگر زن و مرد قبل از ازدواج با یکدیگر توافق و تناسب بیشتری داشته باشند، امکان سازش و زندگی زناشویی موفق آن‌ها بیشتر خواهد بود. به همین خاطر با دقت نظر در الگوهای قبل از ازدواج حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌توان الگوهای موفق و تضمین شده را ارائه کرد.

۲.۱. سن

برای انتخاب همسر لازم است بین زوج‌ها از لحاظ سنی همخوانی وجود داشته باشد. البته سن مناسب به تنهایی نمی‌تواند عامل موفقیت در ازدواج باشد بلکه لازم است این خصوصیت را با مجموعه‌ای از صفات دیگری مانند اعتماد و صداقت، وفاداری و سازگاری، سخاوت و همکاری بررسی کرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: کسانی را که همسر ندارند و غلامان و کنیزانی که شایسته‌اند همسر دهید. اگر فقیر باشند خدا به فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز می‌کند که خدا گشایش دهنده و دانا است. (نور، ۲۳)

بنابراین در سنین معین شده جز ازدواج چاره‌ای نیست و باید هرچه زودتر ازدواج کرد؛ چنانچه امام رضا فرمودند: جوانان خود را از عوارض سوء انحرافات جنسی مصون سازید و در جایی دیگر می‌فرمایند: «جبرئیل بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و گفت: پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید: «دختران باکره همانند میوه درختان هستند. وقتی میوه رسید جز چیدن آن چاره‌ای نیست. اگر به موقع چیده

نشد به وسیله‌ی آفتاب و باد فاسد می‌گردد.» دختران نیز وقتی به سنین ازدواج رسیدند باید ازدواج کنند وگرنه ممکن است به فساد کشیده شوند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۳۷۱)

از این حدیث معلوم می‌شود بسیاری از مفاسد اخلاقی و مشکلات اجتماعی که در جامعه مشاهده می‌شود معلول تأخیر ازدواج جوانان است؛ بنابراین تنها راه حل این مشکل ازدواج کردن آن‌ها و تشکیل خانواده است.

ازدواج در اوایل جوانی سبب می‌شود تا افراد از تمام نعمت‌ها و برکاتی که ازدواج دارد، زودتر بهره‌مند شوند و پیش از آن‌که شخصیت آن‌ها قالب محکمی پیدا کند، در کنار یکدیگر رشد کنند. کم سن بودن اغلب باعث انعطاف‌پذیری، گذشت و نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پایین‌تر، آسیب‌پذیری کمتر، سازگاری بیشتر با همسر و درنهایت، آرامش بیشتر زندگی خواهد شد. (آیت‌اللهی، ۱۳۹۴، ص ۵۳)

درباره سن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در هنگام ازدواج اختلافاتی در روایت تاریخی دیده می‌شود. علامه جعفر مرتضی عاملی یکی از پژوهشگرانی است که در دهه‌های اخیر در تألیف ارزشمند خود بنام «الصحيح من سيرة النبي الأعظم»، شواهد و قرائن فراوانی را بر اختلاف سنی بسیار کم پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و خدیجه (سلام الله علیها) و ازدواج نکردن آن بانو پیش از وصلت با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اقامه می‌کند.

وی معتقد است سن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هنگام ازدواج با رسول اکرم بین ۲۵ تا ۴۶ سال در نوسان است. ۲۵ سال بیهقی آن را صحیح خوانده است. (البدایه و النهایه، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۲۹۴) ۲۸ سال شمار زیادی آن را صحیح ترجیح دادند. (بلاذری، ۱۳۹۳ ه.ق، ص ۹۶) ۳۰ سال، (دیاربکری، ص ۲۶۴) ۳۵ سال و (حلبی، ص ۱۴۰) ۴۰ سال. (ابن عساکر، ۱۴۰۷، ص ۳۰۳) ۴۵ سال را صحیح دانسته‌اند.

هرچند شمار زیادی از جمله ابن عماد قول دوم را بر سایر اقوال ترجیح داده‌اند اما بیهقی قول نخست را صحیح می‌داند او می‌گوید: خدیجه (سلام الله علیها) ۶۵ سال عمر کرد و گفته‌اند ۵۰ سال سن داشت این صحیح‌تر است؛ بنابراین اگر خدیجه (سلام الله علیها) ۱۵ سال پس از بعثت با رسول خدا ازدواج کرده باشد، بدان که او در سال دهم بعثت از دنیا رفته و هنگام ازدواج ۲۵ سال سن داشته باشد. (عاملی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵)

بر اساس شواهد و قرائن و پژوهش‌های مورد تأیید بسیاری علما و مراجع شیعه از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هنگام ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ۲۵ یا ۲۸ ساله و دوشیزه بوده و روایت ۴۰ سال یک روایت غیرقابل اعتماد است و آن دو نفر که به‌عنوان شوهر قبلی

خدیجه (سلام الله علیها) ذکر شده، شوهر خواهر او بوده‌اند که نامش هاله بود و فرزندان را که نام می‌برند مربوط به خواهر اوست.

مهم نیست سن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در موقع ازدواج چند سال بوده است اما یکی از دلایل ازدواج نکردن آن حضرت قبل از پیغمبر این است که در دوران جاهلیت، شخصی چون حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که مرد درستکار و پاک‌دامنی باشد وجود نداشته است و نکته‌ی مهم‌تر آن که ایشان از زندگی پیغمبر شناخت کامل و جامعی داشته است.

۲.۲. اصالت خانوادگی

معیار اصلی در ازدواج، اعتقادات، ارزش‌های اخلاقی و اصالت خانوادگی است. اصالت خانوادگی به معنای سلامت خانواده و خوش‌نام بودن آن‌هاست و ملاک قابل‌اعتمادی برای جلوگیری و چگونگی نحوه تربیت فرزندان و ارتباطات متقابل و در زندگی زناشویی تلقی می‌شود.

در انتخاب همسر اصالت و شرافت خانوادگی، مزیت محسوب می‌شود، زیرا اولاً: همسری که در چنین خانواده‌ای تربیت شده غالباً شریف و بزرگوار خواهد بود. ثانیاً: رفتار خانواده‌های شریف، نسبت به عروس و دامادشان، غالباً بهتر و موجب‌تر از خانواده‌های پست و فرومایه است و تقید بیشتری به آداب و رسوم و ضوابط اخلاقی دارند. (امینی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷-۱۲۶)

ضرورت توجه به اصالت خانوادگی در آیات و روایات به زبان‌های گوناگون به‌صراحت بیان شده است. مشهور است که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ؛ از گیاه روئیده در خرابه پرهیزید. «از حضرت پرسیدند که مقصود از خضراء الدمن یا همان گیاه روئیده در خرابه چیست؟ حضرت فرمود: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنِّبَتِ السَّوِّءِ؛ زن زیبارویی که در خانواده‌ای فاسد رشد کرده است.» (رضوان فر، ۱۳۸۶، ص ۱۶)

در واقع این مسئله از مهم‌ترین عوامل استحکام روابط میان زن و شوهر به‌شمار می‌رود. در جای دیگر نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «تَزَوَّجُوا فِي الْحِجْزِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسَ» در خانواده‌ی شایسته و پاک‌دامن ازدواج کنید، زیرا ریشه و عصب در آن پنهان است. (طبرسی، ۱۴۳۷، ص ۲۵۶)

اصالت خانوادگی، نجابت ذاتی، محاسن اخلاقی و ثروت روزافزون خدیجه (سلام الله علیها) سبب شد که بزرگان مکه به فکر خواستگاری و ازدواج با خدیجه (سلام الله علیها) بیفتند و مردان سرشناس بزرگی چون عقبه بن ابی محیط و ابن ابی شهاب کسانی را برای خواستگاری به خانه‌ی خدیجه (سلام الله علیها) بفرستند ولی او به همگی پاسخ منفی داد و حاضر به ازدواج با آن‌ها نشد. (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶، ص ۹۲)

خدیجه (سلام الله علیها) از پدر و مادری زاده شده است که از ریشه دارترین خانواده‌های جزیره‌ی عربی است. افزون بر این اصالت خانوادگی بالا، نام نیک، خوی خوش و صفات پسندیده نیز فراهم بود و در والایی دارای مقامی بود که پیش از ازدواج با پیغمبر به طاهره و شهبانوی قریش نام گرفته بود. (حسنی، ۱۳۶۸، ص ۶۸) خانواده‌های اصیل آن دوران همچون والدین حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می‌کوشیدند از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندشان نمونه باشند و به خاطر اصالت قبیله‌ای که از پدر و مادر خود ارث می‌بردند در برخورد با دشواری و سختی زندگی هرگز از جاده‌ی درستی و راستی خارج نمی‌شدند. به عبارت دیگر، آن زمان که هنوز اسلام نیامده بود، پایبندی به آبرو و حیثیت، آنان را از انحراف باز می‌داشت.

۲،۳. کفو و همتا بودن

از عوامل سازگاری زن و شوهر همتا و متناسب بودن آنان هست که در اصطلاح «کفو» نامیده می‌شود. زن و شوهر اگر درباره شرافت خانوادگی، ثروت، سطح دانش و تحصیلات، علاقه‌ها و اهداف، تفکرات سیاسی، دین‌داری و تقید به ضوابط اسلامی، نوع زندگی خانوادگی، تناسب و هم‌آهنگی داشته باشند مشکلاتشان کمتر است و بهتر تفاهم می‌نمایند. کانون خانوادگی‌شان گرم‌تر و در پیشبرد اهداف کمک یکدیگر خواهند بود. اسلام نیز به کفو بودن زوجین توصیه نموده است.

همتایی یکی از مزایای خانواده محسوب می‌شود که در گزینش همسر باید حتی‌المقدور مورد عنایت و توجه دختر و پسر و خانواده‌ی آنان قرار گیرد. (امینی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱-۱۴۲) همچنین هم‌کفو بودن دو همسر یعنی: تناسب، همتایی، هماهنگی، هم‌شانی، سنخیت، کفایت و هم‌طرزی بین دختر و پسر و به اصطلاح با هم جور درآمدن زن و شوهر. (بیستونی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۰)

رسول خدا فرمود: «انکحوا الأكفاء و انکحوا منهنم و اختاروا لنطفکم». زن و مرد همتا و کفو را به ازدواج یکدیگر درآورید و با کفوها ازدواج کنید و برای نطفه‌های خود جایگاهی مناسب انتخاب کنید. (بحارالانوار، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۳۷۵)

تعالیم اسلام در گزینش همسر بر اصل هم‌کفو بودن به معنای همتایی و همانندی تأکید دارند و بهتر است زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا باشند. البته این همسانی بیشتر در خصوص ایمان است و زن و مرد به سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده‌اند. بر اساس تعالیم اسلام، ایمان و باورهای صحیح در حد لازم و کافی مهم‌ترین ویژگی لازم برای همسر محسوب می‌شود. این شرط را می‌توان یک ملاک مطلق دانست که در همه شرایط زمانی و مکانی، برای یک همسر مناسب ضروری

است. (آیت الهی، ۱۳۹۲، ص ۴۵) بنابراین مهم‌ترین اصل در کفو و همتا بودن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همتایی و هم‌کفو بودن آن‌ها از لحاظ ایمان به خداوند بود.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دریافته بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آینده‌ی درخشانی دارد. ممکن است این راز را از «میسره» غلام هوشمندش دریافته بود که در سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با کاروان تجارتی‌اش، هم‌سفر او بود و نشانه‌های بسیاری از شکوه و درایت و امانت و اقتدار را در او دیده و همه را ضمن تقدیم گزارش کار به دخت خردمند حجاز، منعکس نموده بود؛ یا آنکه پیشگویی آن راهب دیر «بصری» در شام، در مورد آینده‌ی شکوه بار محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به گونه‌ای به گوش خدیجه (سلام الله علیها) رسیده و او نیز در پرتو ژرف‌نگری و الهام قلبی به آن دل‌بسته بود. (کریمی فریدنی، ۱۳۸۳، ص ۵۸)

مسئله‌ی دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آن دو بزرگوار از نظر مال و ثروت با یکدیگر کفویت نداشتند اما حضرت خدیجه (سلام الله علیها) که بانویی خداپرست و با ایمان بود به خوبی می‌دانست که ارزش انسان پاک و آینده‌سازی مانند حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بیش از ارزش مادیاتی است که او دارد.

این بصیرت و عقلانیت در دنیای امروز کمرنگ شده است و جای خود را به ارزش ثروت و دارایی طرفین، موقعیت‌های شغلی خاص و سطح درآمد ... داده است و متأسفانه به یکی از ملاک‌های تأثیر گزار در امر ازدواج مبدل گردیده است.

۲. ۴. خواستگاری

خواستگاری نخستین قدم برای ازدواج است. پیوند ازدواج که بین یک زن و مرد بسته می‌شود، در نقاط مختلف همراه با آداب و رسوم خاصی است که ممکن است از جایی به جایی دیگر تفاوت داشته باشد. معنای خواستگاری یعنی تقاضای ازدواج و پیشنهاد تشکیل خانواده از سوی مرد، اما این درخواست و پیشنهاد می‌تواند از جانب زن داده شود. (دژکام، ۱۳۸۸، ص ۵۶)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نیز شخصی را واسطه کرده بود که از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) خواستگاری کند و مروی است که خود به نزد حضرت آمده و چنین می‌گوید: «ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی و شرافتی که تو در میان قریش داری و همچنین به خاطر امانت‌داری، راست‌گویی و خوش‌خلقی که به واسطه آن‌ها ممتاز گشته‌ای، مایل به شما شده‌ام و می‌خواهم به همسری شما درآیم.» (مظفری و رسی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱)

خاستگاه انتخاب حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ارزش‌های اخلاقی و کمالات شخصیتی است. انگیزه آن حضرت، ثروت و مال نبود؛ چرا که وی از ثروتمندان مکه و سرمایه‌دارترین بازرگانان آن شهر بود. (شریف، ۱۳۹۶، ص ۴۴)

این‌گونه اوضاع برای ازدواج و همسری خدیجه (سلام الله علیها) با محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فراهم آمد؛ همسری که یورش بود و محبت خویش را به او بخشید و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز محبت صادقانه و پاکش را به سوی او روانه کرد تا خانواده نمونه‌ای را در جهان انسانیت و بشریت بنا گذارند. پس در این هنگام بود که خواستگاری به شکل عرف جامعه آن روز مکه انجام گرفت. (همان، ص ۴۶)

این خواستگاری، یعنی خواستگاری خدیجه (سلام الله علیها) از محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و درخواست همسری در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، اساس تشریح را نیز تشکیل می‌دهد تا آنجایی که اسلام به زن عاقل و رشید این حق را بدهد که از مردش خواستگاری کند و خودش درخواست ازدواج را مطرح سازد.

۳. الگوهای حین ازدواج

بزرگان دین و معصومین (علیهم السلام) سعی در ترویج فرهنگی دینی و سنت‌های پسندیده داشته‌اند و الگوهای حین ازدواج و مهیا کردن مقدمات جشن عروسی نیز از جمله‌ی این سنت‌ها است.

۳.۱. مهریه

از لوازم ازدواج در شرع مقدس اسلام، مسئله‌ی مهریه است؛ اما به نظر می‌رسد برای تفهیم نقش مهریه در ازدواج بهتر است میزان مهریه از نگاه اسلام و عوامل بالا رفتن آن در جامعه‌ی کنونی که مانعی برای ازدواج شده است، بررسی شود.

یکی از نکاتی که خداوند متعال در تعیین مهریه برای ازدواج بر آن تأکید می‌ورزد، مشخص شدن جایگاه طالب و مطلوب است. مقصود از قرار دادن مهریه، تبیین مطلوب بودن زن و طالب بودن مرد است که متأسفانه در این دوران آخرالزمان دستخوش تغییری نابهنجار شده است.

خداوند برای اینکه این جایگاه برای زن و مرد حفظ شود، مسئله‌ی مهریه را تعیین فرمود که مرد بدانند از اول او طالب بوده است و زن مطلوب و هر مطلوبی مهری دارد و مرد باید صداقت خود را در ابراز علاقه‌مندی نشان دهد. (بانکی پور فرد، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸)؛ بنابراین در قرآن آمده است: مهریه زنان را به‌عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید. (نساء، ۴)

مهریه باعث ایجاد مهر و محبت بین زن و شوهر می شود. نفس مهریه به زن مقام می دهد. حضرت رضا (علیه السلام) در پاسخ به این سؤال که چرا برای زن مهریه تعیین می شود فرمودند: علت و جوب مهر بر مردان این است هزینه زن بر مرد واجب است. علاوه بر اینکه زن، خودش را به مرد می فروشد و مرد خریدار است و از آنجاکه فروش، بدون ثمن و خرید، بدون پرداخت ثمن نخواهد بود، پس مرد باید به زن مهریه بپردازد. علاوه بر آن، زن از اینکه وارد معامله و تجارت شود، محذور است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ص ۹۴)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نیز ثروتمند بود و هیچ احتیاجی به مال دنیا نداشت. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به ایشان مهریه دادند که میزان مهریه در برخی روایات می رساند که رسول خدا خودش ۲۰ بچه شتر ماده را مهر خدیجه (سلام الله علیها) کرد. یا در روایت دیگری چیزی بیشتر از دوازده اوقیه معادل پانصد درهم ثبت شده است. (عاملی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴)؛ هرچند حضرت خدیجه مهریه خود را به همسرشان بخشیدند.

۲.۳. امکانات زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

در دین مبین اسلام، امکانات زندگی و جهیزیه را نیز بر عهده‌ی دختر نمی دانند بلکه این مرد است که می بایست اسباب و وسایل زندگی را برای آغاز زندگی زناشویی تهیه کند؛ اما امروز، پس از قرن‌ها که از عمر دین اسلام می گذرد، خانواده‌های ایرانی دچار نوعی بدعت شده‌اند و به دلیل چشم و هم‌چشمی و تفاخر و تکاثر، اقدام به تهیه‌ی جهیزیه‌های سنگین با هزینه‌های هنگفت می کنند و کسانی که نمی توانند در این آشفته بازار خودنمایی شرکت کنند، طرد و سرخورده می شوند و از امر ازدواج روی گردان می شوند.

ازدواج پیامبر با حضرت خدیجه (سلام الله علیها) شباهتی به ازدواج‌های شناخته شده نداشت، بلکه در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی‌هایی بود، چراکه این پیوند مبارک و مقدس، نه ثمره عشق زودگذر و دوستی بی پایه و اساس بود و نه برخاسته از انگیزه‌های مادی یا دیگر امور و اغراض و اهداف رایج، که در ازدواج چهره‌های مشهور و سرشناس دنیا وجود دارد و نیز هدف‌های سیاسی نیز در امضاء و تشکیل این زندگی مشترک و ساختار آن، نقشی نداشت.

حضرت علی (علیه السلام) نیز هنگام ازدواج امکانات خاصی نداشت. ایشان در پاسخ به سؤال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره‌ی امکانات زندگی می فرماید: تمام ثروت من یک شمشیر، یک زره و یک شتر است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: تو مرد جنگ و جهادی و بدون شمشیر نمی توانی در راه خدا جهاد کنی. شتر نیز وسیله آبکشی تو و مایه تأمین امور اقتصادی خود و خانواده‌ات است و بارت را

حمل می‌کند. تنها چیزی که می‌توانی از آن صرف نظر کنی همان زره است. من هم به تو سخت نمی‌گیرم و به همان زره اکتفا می‌نمایم. (بحار الانوار، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۴۰۹)

امروزه این مسئله مطرح است که از چه روی جوانان برای امر مقدس ازدواج بیش از هر چیزی، دغدغه‌ی تجملات و جهیزیه سنگین و برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم عروسی دارند تا جایی که این سنت حسنه را تا فراهم آمدن تمام امکانات و لوازم لوکس زندگی به تعویق می‌اندازند.

۳،۳. مراسم عقد

برگزاری مراسم عقد و جشن ازدواج بر حسب اعتقادات و فرهنگ‌های گوناگون، متفاوت است؛ اما باید دید در دین مبین اسلام و در سیره بزرگان دین و معصومین: برگزاری مراسم عقد و عروسی چگونه بوده است.

در دین اسلام مبحث ازدواج و برپایی مراسم جشن از اهمیت و تأثیر بسیاری برخوردار است تا جایی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده‌اند: ازدواج را سنددار و علنی کنید و برایش مراسم برگزار کنید. (نهج الفصاحه، ۱۳۸۳، ص ۳۱۳)

در معنویت جشن ازدواج در اسلام همین بس که وعده‌گاه نزول رحمت خاص الهی است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره می‌فرمایند: «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدَيْنِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَ عِنْدَ النِّكَاحِ». درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود، موقع بارش باران، زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد، هنگام گشوده شدن در کعبه و هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی. (بحار الانوار، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۲۲۱)

با توجه به اهمیت موضوع ازدواج و نقش اساسی آن در خوشبختی و یا شقاوت دنیوی و اخروی انسان‌ها، علاوه بر این که آن‌ها باید همه‌ی تلاش خود را در شناخت و انتخاب فرد واجد شرایط انجام دهد، باید با ایمان و باور عمیق از خداوند متعال طلب خیر نماید تا او که مسبب الاسباب است، زمینه‌های لازم برای این پیوند مقدس را فراهم کند.

آنچه از ادعیه رسیده از معصومین: می‌توان دریافت این است که انسان باید همه خواسته‌ها و حاجات خود را به ویژه در امر ازدواج از خداوند طلب نموده، اما در نهایت به آنچه خداوند متعال روزی و قسمت او نموده، کاملاً راضی باشد.

درباره‌ی برگزاری مراسم عقد و ازدواج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، طبق روایات شیعه و سنی آمده است که حضرت ابوطالب (ع)، عموی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به خواستگاری حضرت خدیجه (سلام الله علیها) رفت و خود آن حضرت در حالی که بنی‌هاشم و رؤسای مکه با وی همراه بودند

خطبه‌ی عقد را جاری کرد. این خطبه افزون بر کتب تاریخ و سیره، در بعضی کتب فقهی شیعه و اهل سنت نیز ذکر شده است؛ البته فحوای آن به صورت‌های مختلفی گزارش شده که در اینجا به ذکر دو نمونه از این روایت‌ها اکتفا می‌کنیم:

۱) ابن مغزلی در کتاب مناقب علی بن ابی‌طالب (ع) نقل کرده است: هنگام ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خدیجه (سلام الله علیها)، ابوطالب بن عبدالمطلب خطبه‌ای ایراد می‌کند و می‌گوید: سپاس خدایی را که ما را از فرزندان ابراهیم و پرورش‌یافتگان اسماعیل قرارداد و سرزمین مکه و خانه حج‌گزاران را برای ما برقرار ساخت و ما را بر مردم فرمانروا نمود:

«این محمد بن عبدالله پسر برادر من است و هر جوانی با او مقایسه شود، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از نظر درستکاری، شایستگی، جوانمردی، عقل، احترام و نجابت بر او برتری خواهد داشت، اگرچه از مال بهره اندکی دارد؛ ولی مال چون سایه‌ای است که از بین می‌رود و قرضی است که برگردانده می‌شود. او خدیجه (سلام الله علیها) دختر خویند را دوست دارد و خدیجه (سلام الله علیها) هم به وی علاقه‌مند است. پس هراندازه می‌خواهید مهر او کنید که من خود، آن را می‌پردازم.» (ابن المغزلی، ۱۳۹۴ ه.ق، ص ۳۳۳)

۲) این خطبه به صورت دیگری در کتاب کافی ذکر گردیده است. در این کتاب، کلینی رحمه الله از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تصمیم می‌گیرد با خدیجه (سلام الله علیها) ازدواج کند ابوطالب همراه با خانواده خود و تنی چند از قریش بر ورقه بن نوفل وارد می‌شوند و ابوطالب سخن آغاز می‌کند و می‌گوید: سپاس پروردگار این خانه را که ما را از پرورش‌یافتگان ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرارداد و در حرم امن خود منزل داده و فرمانروایان بر مردم نمود و در سرزمینی که در آن می‌زییم به ما برکت داد:

این پسر برادر من رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با هر مردی از قریش مقایسه گردد از او برتر و بزرگوارتر خواهد بود. او در میان مردم همتایی ندارد، اگرچه دارایی او ناچیز است؛ ولی مال پشتوانه و تکیه‌گاهی است که فرومی‌ریزد و سایه‌ای است که از میان می‌رود. او دوستدار خدیجه (سلام الله علیها) است و من نزد تو آمده‌ام تا با رضایت و اجازه خدیجه (سلام الله علیها) او را از تو خواستگاری کنم و هر قدر مهریه درخواست نمایید، نقد یا نسیه، من آن را از مال خود می‌پردازم. سوگند به پروردگار این خانه که وی را نصیبی بزرگ، آیینی فراگیر و عقلی کامل خواهد بود. (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ص ۳۹۸)

بدین ترتیب، ابوطالب شتری نحر می‌کند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با خدیجه (سلام الله علیها) پیمان زناشویی می‌بندد؛ و مردی از قریش چنین می‌سراید: «ای خدیجه بر تو تبریک و تهنیت باد که نیکوترین فال را به نام تو زدند. نیکوترین مردم تو را به همسری برگزیده است و او در میان مردم اوصاف نکو دارد و نیکانی چون عیسی بن مریم و موسی بن عمران بدو بشارت داده‌اند و وعده آنان چه نزدیک

است. کتاب‌های پیشین خبر داده‌اند که او در سرزمینی خشک و بی‌آب و علف مبعوث می‌شود؛ و او همان ره‌یافته‌ای است که به ارشاد و هدایت مردم می‌پردازد.» (کلینی، ۱۳۸۸ ه.ق، ص ۳۷۴)

همچنین آمده است که خویلد پدر خدیجه (سلام الله علیها) در مراسم عقد فرمود: «ای معشر عرب، آسمان سایه نیانداخته و زمین بر فراز خود حمل نکرده کسی را که از محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) برتر باشد همه گواه باشید که من او را به دامادی خود برگزیدم و به این پیوند مقدس مفتخر هستم.» (واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، دانشنامه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ص ۱۶۷)

۳. ۴. ولیمه

یکی از مراسم عروسی که از سنت پیغمبر است و بسیار سفارش اکید شده، مراسم ولیمه دادن است. این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به‌عنوان (ولیمه) زفاف در اخبار و احادیث آمده است. (وسائل شیعه، ۱۳۷۰)

این مراسم با حضور سرشناسان فامیل انجام می‌گیرد و به زندگی مشترک جدید زوجین کاملاً رسمیت می‌بخشد و آن‌ها را به قبول مسئولیت در برابر آن وادار می‌سازد. همچنین این مراسم در درجه‌ی اول به عقد زناشویی استحکام می‌بخشد و موجب رسمیت و عینیت دوچندان آن می‌شود. آنگاه خواهیم دید که وقتی پایه شروع زندگی جدید بر شادمانی گذارده شود، خاطره خوبی در ذهن طرفین باقی می‌ماند و سبب می‌شود بسیاری از مشکلات را به خاطر آن تحمل کنند و با خوش‌بینی به مسائل مربوط به آینده بنگرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۷۷-۷۸)

رسم است قبل از شب عروسی همسایگان دعوت و از آنان پذیرایی شود. ولیمه دادن در عروسی مستحب است و درباره‌ی آن تأکید شده است. امام کاظم (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرد که: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: لَا وَليمةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ فَأَلْعُرْسُ التَّزْوِيجُ وَ الْخُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَلَدِ وَ الْعِدَارُ الْخِتَانُ وَ الْوِكَارُ الرَّجُلُ يَشْتَرِي الدَّارَ وَ الرَّكَازُ الرَّجُلُ يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ»؛ ولیمه در پنج مورد مستحب است و ثواب دارد: ازدواج، تولد فرزند، ختنه، خرید خانه و بازگشت از مکه. (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۲۷۵)

در این روایت مشخص می‌شود که فرد در صورت داشتن امکان مالی، خوب است مجلس آبرومندی برگزار کند و در تشکیل جشن عروسی از حالت اعتدال و میانه‌روی خارج نشود و از خرج‌های بیهوده خودداری نماید. چون در دین اسلام جشن ازدواج، در حد یک مهمانی و غذای مختصر توصیه شده (واجب نشده) و بیشتر هدف این است که نزدیکان و فامیل و دوستان متوجه ازدواج دختر و پسر بشوند و صله رحمی انجام بشود. (امینی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۹)

بر این اساس در زمان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ولیمه دادن نیز مرسوم بوده است: «خدیجه (سلام الله علیها) به عمویش ورقه پول و اموال کلانی داد، اینها را به حضور محمد (صلی الله علیه و آله) ببر و به او بگو همه اینها هدیه‌ای به پیشگاه شما است و به آن حضرت ببخشید. ورقه بن نوفل با صدای بلند در کنار کعبه ایستاد و گفت بدانید که خدیجه (سلام الله علیها) شما را به گواهی می‌طلبد که خود و همه‌ی ثروت خود از غلامان و کنیزان، املاک و دام‌ها، مهریه و هدایا را به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بخشیده است و همه آن‌ها هدیه‌ای است که وی آن را پذیرفت. سپس خدیجه (سلام الله علیها) گوسفندان بسیار، پول، لباس، عطر و سایر لوازم را برای ابوطالب فرستاد. ابوطالب ولیمه‌ی عظیمی ترتیب داد که سه روز ادامه یافت و همه مردم دعوت شدند و در مجلس ولیمه شرکت نمودند.» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۹۲-۹۱)

عمار می‌گوید میزان علاقه‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را برای خواهر او بازگو کردم. او گفت: فردا صبح نزد ما بیایید. پس همان‌طور که او گفته بود، صبح پیش آنان رفتیم و دریافتیم که گاوی قربانی نموده‌اند و بر پدر خدیجه (سلام الله علیها) جامه‌ای مخصوص پوشانیده‌اند و ریش او را زرد اندود کرده‌اند... بدین ترتیب، او خدیجه (سلام الله علیها) را به نکاح پیامبر (صلی الله علیه و آله) درآورد؛ و پس از آن، از آن گاو قربانی غذایی آماده ساختند و ما از آن خوردیم. (بیهقی، ۱۳۸۹ ه. ق، ص ۷۱۷۲)

در منابع دیگر آمده که این مراسم با سرور و شادمانی انجام شد و به دنبال آن محمد (صلی الله علیه و آله) دستور داد دو شتر نحر کردند و غذای ولیمه عروسی تهیه شد و خدیجه (سلام الله علیها) نیز جامه‌ی عروسی به تن کرد و مراسم زفاف انجام شد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از آن پس در کنار حضرت خدیجه (سلام الله علیها) احساس آرامش بیشتری در زندگی می‌کرد و خدیجه (سلام الله علیها) را کمک کار خوبی در پیشبرد هدف‌های عالی خود می‌دانست. (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶، ص ۹۹)

۳. الگوهای بعد از ازدواج

در ادامه به الگوهای بعد از ازدواج حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌پردازیم، الگوهایی که موجب انس و الفت عمیق، تفاهم و از خودگذشتگی، همکاری و همدلی و فرزندآوری و تربیت فرزندان که در دین اسلام سرآمد و الگو هستند می‌گردد.

۱.۳. شیوه همسر داری

در قرآن کریم آمده است: و یکی از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما مهر و محبت قرارداد. مسلماً در این نشانه‌ها و دلایلی است برای آنان که می‌اندیشند. (روم، ۲۱)

در این آیه به پایه‌های زندگی مشترک زناشویی خوشبخت و نمونه که مودت و رحمت باعث آن شده است اشاره شده است؛ پس بر زن و مرد لازم است ارتباطشان را نیکو گردانند تا در همان اوایل زندگی به مودت و محبت و در پیری به رحمت دست یابند. (یزدان پرست، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸)

پس نخستین و برترین معیار و نشانه‌ی برتری و سعادت‌مندی همسران، احساسی است که از آرامش روان و شکوفایی در آن‌ها به وجود می‌آید. (رجایی، ۱۳۹۱، ص ۴۵) وقتی زندگی بر این اساس استوار شد، زوجین، اولین قدم برای حرکت به سوی کمال و آشنایی با معیار حق و باطل را در خود نهادینه سازند تا بتوانند خود را به خوبی‌ها آراسته و از بدی‌ها پیراسته کنند.

همچنین نقل می‌کنند که: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را دوست می‌داشت و در همه کارها با او مشورت می‌کرد». (تذکره الخواص، ۱۴۱۸ ه. ق، ص ۳۸۲)

علاوه بر این، احترام متقابل، ایثار، فداکاری، دلسوزی و مهربانی از دیگر مصداق‌های مهم رفتار نیک هستند که اگر اعضای خانواده از آن آگاه شوند و روابط خود را بر اساس این مصداق‌ها شکل دهند، رشد تعالی و خانواده تضمین خواهد شد. (آیت‌اللهی، ۱۳۹۴، ص ۹۵)

حال باید دانست حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) چگونه بوده است. ایثار و فداکاری آن حضرت در تمام مراحل زندگی مشترک با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) زیبا و مثال‌زدنی است. خدیجه (سلام الله علیها) بعد از ازدواج با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، پله‌های قرب و نزدیکی به خداوند را یکی پس از دیگری پیمود و در این راه نه تنها هیچ‌گاه احساس خستگی نکرد؛ بلکه از هر وسیله‌ای جهت رسیدن به قله شرف و انسانیت و سعادت استفاده کرد.

او با مدیریت عالی توانسته بود از راه حلال و تجارت، مال زیادی به دست آورد و به همین دلیل در جزیره العرب به‌عنوان سرمایه‌دار طراز اول مطرح بود؛ ولی هیچ‌وقت، زراندوزی به‌عنوان یک اصل در زندگی او مطرح نبود؛ بلکه پایه زندگی و هدف اساسی او کسب معنویت بود. خدیجه (سلام الله علیها) بر همین مبنا، هنگام ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عرض نمود: «أَنَا وَ مَالِي وَ جَوَارِي وَ جَمِيعُ مَا أَمْلِكُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ فِي حُكْمِكَ لَا أَمْنَعُكَ مِنْهُ شَيْئاً» «خودم با اموالم خدمتگزار و تمام چیزهایی که متعلق به من است در اختیار تو و تحت فرمان تو است و من مانع تصرف تو نمی‌شوم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ص ۵۵)

پیامبر - نیز از مال و ثروت خدیجه - در زمانها و موقعیت‌های مناسب و مهمی از جمله پس از بعثت در راه اسلام استفاده نمود. (مظفری و رسی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵)

باید این درس را از بزرگان دین آموخت که هیچ‌گاه زراندوزی و ثروت به عنوان اصل در زندگی مطرح نیست و ثروت و مادیات فناپذیر است و آنچه به سعادت خانواده می‌انجامد، ایثار و فداکاری و صداقت است نه مادیات و فزون‌طلبی.

۳.۲. ساده زیستی

تاریخ از تحوّل اقتصادی در زندگانی شخصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از ازدواج با حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اطلاعاتی به ما نمی‌دهد، بلکه آنچه در تاریخ منعکس شده است ساده زیستی و زهد فوق‌العاده‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. زندگی ایشان بسیار بی‌آلایش و به دور از زرق و برق مادی بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مانند افراد معمولی جامعه زندگی می‌کردند و وضع لباس و خوراک و پوشاک آن حضرت بسیار زاهدانه بود. ایشان لباس وصله‌دار به تن می‌کردند و می‌فرمودند: من بنده‌ام و لباس بندگان می‌پوشم. «كَانَ يَنَامُ عَلَى الْحَصِيرِ لَيْسَ تَحْتَهُ شَيْءٌ غَيْرُهُ». آن حضرت روی حصیر، بدون فرش می‌خوابیدند. (طبرسی، ۱۴۳۷ ه. ق، ص ۳۸)

پس این ادعا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دلیل چشمداشت به اموال حضرت خدیجه با او ازدواج کرد، از اساس باطل است؛ زیرا حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با میل و رغبت خود به پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیشنهاد ازدواج داد و حتی مهریه‌ی خود را نیز بخشید و در حقیقت، خود را به حضرت هدیه و عرضه کرد.

زندگانی شخصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از ازدواج با خدیجه‌ی ثروتمند (سلام الله علیها)، با پیش از آن تفاوتی نداشت. او باینکه می‌توانست از اموال حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در جهت رفاه و آسایش خود بهره ببرد و مانند پادشاهان و حاکمان بزرگ جهان، برای خود کاخی برپا کند و خدم و حشم و سپاهی تجهیز نماید، ولی مانند یک فرد معمولی جامعه زندگی کرد و همواره خود را هم‌سطح فقیران جامعه نگه داشت. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۴-۲۵۵)

بخشی از حمایت‌های حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، حمایت‌های مالی ایشان از آن حضرت بود. دین نوپای اسلام در مراحل نخستین خود، در مواجهه با کفار و مشرکان ثروت پرست مکه، نیاز فراوانی به حمایت‌های مالی داشت و این مهم به خواست خداوند از طریق اموال فراوان

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) تحقق یافت. اموال آن حضرت در دوران بحرانی سه ساله‌ی شعب ابی طالب و در حمایت از مسلمانان نیازمند و هم‌چنین برای جذب برخی از کفار به اسلام هزینه شد.

۳,۳. صبر بر مصائب

دوران بیست و پنج ساله زندگی مشترک حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سخت‌ترین و مشکل‌ترین دوران زندگی آنان بوده است.

مهر و موم‌های اولیه زندگی مشترکشان مصادف بود با بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که سال‌های کتمان و پنهان بودن اسلام و مخفی بودن مسلمانان و اعمال اسلامی بود. پس از آن دوران اظهار و اعلان عمومی اسلام و حضور مسلمانان در مراکز عمومی بود که با انواع آزار و اذیت و شکنجه کفار و مشرکین مکه مواجه بودند، پس از آن دوران سه ساله تبعید و محاصره مسلمانان در شعب ابی طالب پیش آمد. خدیجه (سلام الله علیها) در تمام این مراحل سخت و طاقت‌فرسا صبر و بردباری را پیشه کرد و همیشه همراه و همگام و آرام‌بخش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود.

در دورانی که باردار بود و زنان قریش، کینه‌توزانه با او برخورد می‌کردند و از هم‌صحبتی و هم‌نشینی با خدیجه کبرا کناره‌گیری می‌کردند، طبق روایات، همدم لحظه‌های تنهایی‌اش کودکی بود که در شکم داشت و با او حرف می‌زد. (بحرانی، العوالم، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۴۳)

عملکرد سودبخش حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از غذا دادن به محرومان تا آب رساندن به بینوایان؛ از ایثار در راه خدا تا آموزش فرهنگ و مقررات و آداب زندگی مترقی به مردم؛ از به دوش کشیدن بار مسئولیت اداره‌ی خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا پارسایی و ساده زیستی و تحمل محرومیت‌ها برای آسایش مردم و پیشرفت اسلام و هماهنگی با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، از همسررداری نمونه تا دفاع قهرمانانه از آیین او مثال‌زدنی است. از تحمل رنج‌ها، فشارها، محاصره‌ها، تبعیدها و شکنجه‌ها که پس از اعلام آشکار دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از سوی استبداد مکه و به خاطر دفاع از حق و آزادی و امنیت مردم نواندیش و بی‌پناه بر او وارد آمد؛ آری، همه این‌ها را خدیجه (سلام الله علیها) به خاطر پرستش خدا و تقرب به او و انجام وظیفه به جان خرید و تازه این‌ها غیر از نمازهای خاشعانه و نیایش‌های جان‌بخش شبانه او با خداست. (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۹)

خدیجه صبر و تحمل را در زندگی با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیشه‌ی خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه‌های مشرک، زنان متعصب، محاصره‌ی اقتصادی و... بردباری و تحمل ویژه‌ای از خود نشان می‌داد؛ از جمله در واقعه‌ی شعب ابی طالب که موجب تحلیل قوای جسمانی خدیجه شد. به‌اندازه‌ای که اندکی پس از پایان محاصره، وفات یافت. (اندیشه و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸)

میزان فشاری که مشرکان بر محاصره شدگان شعب ابی طالب به خصوص حضرت خدیجه (سلام الله علیها) که بانوی اول عرب بود وارد می کردند را می توان از گزارش سعد وقاص فهمید. او می گوید: «شبی از دره بیرون آمدم. از شدت گرسنگی تمام توانم را از دست داده بودم. چشمم به پوست خشکیده ی شتری افتاد. آن را برداشتم و بعد از شستن و پختن و کوبیدن، با آب خمیر مخلوط کردم و سه روزی با آن به سر بردم» (طبری، ج ۲، ص ۷۹)

خدیجه (سلام الله علیها) که در درون ثروت فراوان بزرگ شده طبعاً باید نازپروده و کم تحمل باشد؛ اما او با برخورداری از نعمت ها بعد از ازدواج و ایمان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) خود را برای تحمل همه سختی ها آماده کرد، تحمل فشارهای مختلف مشرکان مکه، سرزنش های بستگان، محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب و... به خصوص محاصره اقتصادی سخت او را اذیت و آزار داد و با کهولت سن (۶۳-۶۵ سالگی) سختی های شعب ابی طالب را تا سر حد مرگ تحمل کرد.

در این مدت، یکی از عوامل پایداری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و مردم آزادیخواه و به شکست کشاندن تلاش واپس گرایانه ی محافظه کاران و جریان های خمود و خشونت کیش، بخشندگی و بزرگ منشی ابوطالب و بلند نظری و جهاد اقتصادی خدیجه (سلام الله علیها) بود. «وأنفق أبوطالب و خدیجه جميع مالهما» (کرمی فریدنی، ۱۳۹۶، ص ۴۷)

خدیجه (سلام الله علیها) در طول سه سال محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب، هیچ گاه همسرش را تنها نگذاشت و مانند همیشه با مال خود به یاری او شتافت. او تمام ثروت خود را در جریان شعب خرج کرد تا جایی که گفته می شود بعد از این محاصره، دیگر ثروتی نداشت. این سختی ها ادامه داشت تا اینکه سرانجام پیک وحی پیام آورد موریانه، عهدنامه قریش را خورده است و این گونه بود که محاصره اقتصادی مسلمانان به پایان رسید و مسلمانان به ویژه خدیجه (سلام الله علیها) و ابوطالب در این امتحان الهی سربلند و پیروز شدند. (فروغ ابدیت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷۱)

۳. ۴. تربیت فرزند

در آموزه های اسلامی درباره تربیت فرزند و عوامل مؤثر بر آن، راهکارهای مهمی آمده است که عمل به آنها در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان نقش به سزایی دارد. بی تردید، اگر مادران به نقش مهم خود در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان آگاه باشند و از شیوه های سازنده در این زمینه بهره گیرند، می توانند افرادی شایسته و مفید را پرورش دهند. (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۵)

اهمیت تربیت در احادیث نیز بیان شده است، از امام علی علیه السلام روایت شده است که در وصف انصار فرمودند:

«وَاللَّهُ رَبُّوْا إِلِسَلَامَ كَمَا يُرَبِّي الْفُلُوْءَ مَعَ عَنَائِهِمْ بِأَيْدِيهِمْ السَّبَّاطِ وَاللَّسِيْتِهِمُ السَّلَاطِ؛ به خدا سوگند، اینان اسلام را پرورش دادند؛ آن سان که کره اسب از شیر بازگرفته را پرورش دهند، به نیروی دارایی خود و کف های بخشنده خود و زبان های تیز و برنده خود.» (نهج البلاغه، ص ۷۸۲)

باید دانست هر چند برای انسان ها در همه ی ادوار زندگی امکان تربیت فراهم است اما در دوران کودکی این شرایط دوچندان است زیرا جسم و روح کودک، در این دوران آمادگی کامل و همه جانبه برای پذیرش تربیت خوب و بد را دارد و هر آنچه به او آموزش دهند، به عمق جان و ذهنش نفوذ کرده و تا پایان عمر می تواند به آن عمل کند. (رضایی، ۱۳۹۳، ص ۱۵)

اساس پرورش و تربیت فرزند از دوران خردسالی است. اشتباه بزرگ این است که فرزند را در خردسالی و نوجوانی رها کرده، بعد از این که به دانشگاه رفت برای تربیت دینی او برنامه ریزی کنند. باید از هنگام انعقاد نطفه و از دوران حمل برای تربیت او اقدام و مراقبت و تلاش کرد. (فرحزاد، ۱۳۹۵، ص ۴۴)

همان طوری که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز قبل از حمل یافتن حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در بطن حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، چهل روز از حضرت کناره گرفت و در تنهایی به عبادت و راز و نیاز مشغول گشت. (صالحی کرمانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱)

علاوه بر عبادات چهل شبانه روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و تناول کردن از غذای بهشتی و صد در صد حلال، ایمان و تقوای مثال زدنی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) صبر بر تنهایی و تسلیم بودن و نشستن در خانه را بدون هیچ گونه اعتراض و چون و چرایی پذیرفت و این بدان مفهوم است که مراقبت و تلاش و صبر بر مصائب، برای داشتن ساله ی پاک و پر برکت، مؤثر و کارساز است.

خداوند متعال به پاس صبر و بردباری حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، در شب ولادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، در حالی که تک و تنها در خانه نشسته بود، او را تنها نگذاشت و آسیه، صفورا، مریم و ساره زنان برتر آفرینش را بهیاری اش فرستاد. در عظمت او همین بس که در دامنش بافضلیت ترین و برترین زن عالم به دنیا آمد و خداوند ائمه معصومین علیهم السلام و حجت های خود در روی زمین را از نسل او قرار داد. (علی بخشی، ۱۳۹۱، ص ۸۸)

باید به این نکته توجه کرد که هرگاه شخصی خواهان فرزندانی صالح، با برکت و با صفات پسندیده است باید ابتدا مقدمات آن را فراهم کند و علاوه بر صفای روح و تقوا و عبادات مستحب، در تحصیل روزی حلال و طیب سعی کند و در این صورت است که خداوند متعال با توجه به کیفیت روحی و معنوی او و زندگی اش، فرزند صالح مرحمت می فرماید. (عطایی اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۵۹۱-۵۹۰)

در مورد فرزند صالح پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «إِنَّ الْوَالِدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ؛ فرزند صالح، دسته گلی از گل‌های بهشت است.» (فیض کاشانی، ۱۴۳۰ ق، ص ۱۲۹۱)

اگر انسان از تربیت فرزند غافل شود، در آینده فرزند او به تباهی کشیده می‌شود و اگر کسی یک فرزند با ادب و وارسته تربیت کند، بهترین باقیات صالحات برای او خواهد شد. چه بسا این فرزند، هر کار خیری که انجام می‌دهد بدون این‌که از پاداش این فرزند کم شود، به حساب پدر و مادر ثبت می‌شود. پدر و مادر بدون زحمت از فرزندان با ادب، نسل اندر نسل بهره‌مند می‌شوند. (فرحزاد، ۱۳۹۵، ص ۵۱)

نتیجه‌گیری:

مسئله تشکیل خانواده و به‌کارگیری الگوها و معیارهای صحیح، رابطه مستقیمی با حل مشکلات خانوادگی مردم و رسیدن آن‌ها به سعادت و خوشبختی واقعی دارد. از این رو بررسی سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) که نمونه‌ی کاملی از ازدواج موفق و مجاهدت به سمت کمال است می‌تواند راهگشای زندگی زوج‌های جوان باشد.

لذا جوانان اگر با تأسی از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و با آشنایی با الگوهای قبل از ازدواج آن دو بزرگوار در قالب سن، اصالت خانوادگی، کفویت و خواستگاری اقدام به امر ازدواج و تشکیل خانواده نمایند، در این راستا مشکلات کمتری خواهند داشت.

از الگوهای حین ازدواج معصومین: به ویژه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌توان به آسان گرفتن مهریه یا بخشیدن آن، اکتفا کردن به امکانات مختصر برای شروع زندگی و دوری گزیدن از تجملات و تشریفات دست و پاگیر و نیز برگزاری جشن و ولیمه دادن اشاره کرد.

مهارت‌های زوجین در بدو زندگی زناشویی به‌اندازه‌ی مهارت‌ها و مسائل مهم قبل از ازدواج حائز اهمیت است. اگر الگوهای دینی بعد از ازدواج رواج پیدا کند و زنان و مردان ما در شیوه صحیح همسرداری، ساده زیستی، صبر در برابر ناملازمات زندگی و مصائب، شیوه صحیح فرزندپروری از خاتم النبیین، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و همسر بزرگوار ایشان، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) تبعیت کنند، به‌طور قطع، زندگی سعادت‌مندان‌ه‌ای خواهند داشت و بی‌تردید از بسیاری از مشکلات خانوادگی و معضلات اجتماعی که خانواده‌ها دست‌به‌گریبان آن هستند مبرا خواهند بود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی.

منابع فارسی

۱. آیت اللهی، زهرا، (۱۳۹۴)، دانش خانواده و جمعیت، چاپ ۲۹، قم: نشر معارف.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، قم: انتشارات جهان.
۳. _____، (۱۳۹۰ق)، من لایحضره الفقیه، مصحح: حسن موسوی خراسانی، ج ۳، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب اسلامیة.
۴. احسانی، محمد، (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم: دفتر عقل.
۵. امینی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، جوان و همسرگزینی، چاپ دهم، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. اندیشه، هاشم؛ رستمی، حیدر علی؛ سپاهیان، محمدامین، (۱۳۹۷)، قطره‌ای از دریای فضایل حضرت خدیجه (س)، فصلنامه میقات حج، سال ۲۷، شماره ۱۰۵، صص ۱۵۴-۱۴۱.
۷. بانکی پور، امیرحسین، (۱۳۸۸)، مطلع مهر، چاپ هفتم، اصفهان: انتشارات حدیث راه عشق.
۸. بیستونی، محمد، (۱۳۸۴)، ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت، ج ۲، چاپ اول، تهران: بیان جوان.
۹. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، نهج الفصاحه، قم: انتشارات انصاریان.
۱۰. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، خصائص ام‌المؤمنین خدیجه الکبری (س)، قم: طوبای محبت.
۱۱. حسین خانی، هادی، (۱۳۸۲)، تربیت الگوی زنان در قرآن، چاپ اول، تهران: پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۲. دژکام، محمدرضا، (۱۳۸۸)، روان‌شناسی ازدواج، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ثمین.
۱۳. رجایی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، راز خوشبختی زن و شوهر، اصفهان: انتشارات مرغ سلیمان.
۱۴. رسولی محلاتی، هاشم، (۱۳۸۶)، زندگانی حضرت محمد (ص)، چاپ ۲۲، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. رضایی، مهدیه، (۱۳۹۳)، قرآن و تربیت اجتماعی کودک، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۶. رضوان فر، احمد، (۱۳۸۶)، توصیه‌های پیامبر اعظم به خانواده، قم: نشر کتاب طه.
۱۷. رفیعی محمدی، ناصر، (۱۳۹۸)، شناخت‌نامه حضرت خدیجه (س)، ج ۱، قم: جامعه المصطفی العالمیه.

۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۵)، فروغ ابدیت، ج ۱، قم: بوستان کتاب.
۱۹. شریف، محمود، (۱۳۹۶)، فرازهایی از زندگی حضرت خدیجه (س)، چاپ اول، تهران: تبلیغات اسلامی نشر بین الملل.
۲۰. صالحی کرمانی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، زندگی چهارده معصوم، چاپ چهارم، قم: انتشارات انصاریان.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۳۷ق)، مکارم الاخلاق، ج ۱، قم: بقیه العتره.
۲۲. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۹۱)، الصحیح من سیره النبی اعظم (ص)، ج ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. عطایی اصفهانی، علی، (۱۳۹۷)، زندگانی چهارده معصوم، چاپ چهارم، قم: آیین دانش.
۲۴. فرحزاد، حبیب الله، (۱۳۹۵)، تربیت فرزند، قم: نشر عطش.
۲۵. فیض کاشانی، مرتضی، (۱۴۳۰ق)، الوافی، ج ۲، اصفهان: عطر عترت.
۲۶. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۹۶)، جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه (س)، چاپ سوم، قم: نسیم انتظار.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. محمدی اشتیاردی، محمد، (۱۳۷۷)، حضرت خدیجه (س) اسطوره ایثار و مقاومت، چاپ اول، تهران: انتشارات نبوی.
۲۹. مظفری ورسی، حیدر، (۱۳۸۸)، پیامبر از ولادت تا بعثت، چاپ اول، قم: انتشارات دلیل ما.
۳۰. معروف الحسنی، هاشم، (۱۳۶۰)، زندگی نامه خدیجه کبری (س) و فاطمه الزهرا (س) (امیران ایمان)، ترجمه: علی شیخ الاسلامی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه اهل البیت بنیاد بعثت.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۹)، شیوه همسری در خانواده نمونه، قم: نسل جوان.
۳۲. مهدی زاده، حسین، (۱۳۸۵)، الگوشناسی، قم: صداوسیما جمهوری اسلامی، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۳۳. یزدان پرست، یونس، (۱۳۸۱)، ازدواج و خوشبختی زنشویی در سایه اسلام، تهران: انتشارات کردستان.

منابع عربی

۱. ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب تاریخ دمشق، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، (۱۴۱۱ق)، البدایه و النهایه، چاپ دوم، بیروت: مکتبه المعارف.

۳. بحرانی، عبدالله بن نورالله، (۱۳۸۷)، *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال*، ج ۱۱، قم: مؤسسه الامام المهدي.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۹۳ق)، *انساب الاشراف*، محقق: محمدباقر محمودی، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۵. بیهقی، ابوبکر، (۱۳۸۹)، *سنن الكبرى*، ج ۷، بیروت: دارالفکر.
۶. حلبی، علی بن ابراهیم، (بی تا)، *السیره الحلبیه*، بیروت: المكتبة الاسلامیه داراحیاء التراث العربی.
۷. دیاربکری، حسین بن محمد، (بی تا)، *تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس*، بیروت: مؤسسه شعبان.
۸. سبط بن جوزی، یوسف بن قز اوغلی، (۱۴۱۸ق)، *تذکره الخواص من الأئمة فی ذکر خصائص الأئمة*، قم: منشورات الشریف الرضی.
۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: چاپ اول، دارالمعرفه.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن تقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۳ و ۴ و ۱۰۰ و ۱۰۳، بیروت: دارالاحیاء التراث.